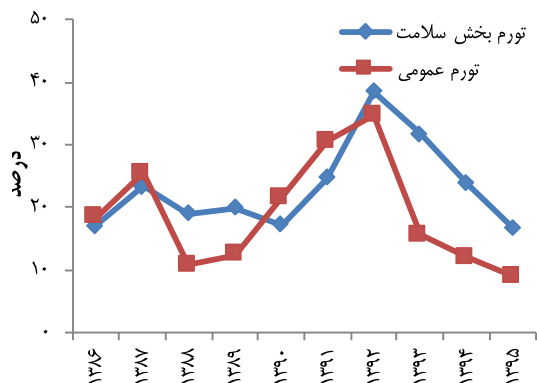




گزاره برگ ۱ تورم بخش سلامت و عمومی



نمودار شماره ۱. تورم بخش سلامت و عمومی در طی دوره ۱۳۸۶ تا

۱۳۹۵

بررسی صورت گرفته بر روی مطالعات داخلی و خارجی موجود در زمینه تغییرات شاخص بهای بخش سلامت نیز نشان می دهد تورم بخش سلامت نسبت به تورم عمومی در سایر کشورها بالاتر است. از مهم ترین دلایل آن:

۱. ورود سریع فناوری های گران قیمت به بازار سلامت: بخش سلامت از تکنولوژی های به روز و تجهیزات گران قیمت تری نسبت به سایر بخش ها استفاده می کند. تکنولوژی و فناوری های به روز نیز رشد قیمت بالاتری نسبت به تکنولوژی های قدیمی تر دارند و این مسئله یکی از دلایل اصلی تورم بالاتر کالا و خدمات این بخش نسبت به سایر بخش ها محسوب می شود؛

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که به اختصار CPI^۲ نامیده می شود، تغییرات قیمتی مجموعه ای از خدمات و کالاهای مصرفی را اندازه گیری می کند. این شاخص یکی از مهم ترین شاخص های قیمتی و نشانگری برای سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول داخلی هر کشور است. سالیانه برخی از مراجع آماری داخلی از جمله بانک مرکزی و مرکز آمار، این شاخص را در سطح کلی و در ۱۲ گروه اصلی^۳ کالاها و خدمات سبد خانوار محاسبه می کنند. به طور کلی از این شاخص برای طراحی برنامه های رفاهی و تأمین اجتماعی، تعدیل مزد و حقوق و تنظیم قراردادهای دوجانبه استفاده می شود.

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بخش سلامت، با در نظر گرفتن کالاها و خدمات بخش سلامت به منظور محاسبه تورم بخش سلامت مورد استفاده قرار می گیرد. تغییرات شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی نشان دهنده تورم^۴ است. تورم عبارت است از افزایش دائمی و بی رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی های اقتصادی منجر می شود. نمودار شماره ۱ تورم بخش عمومی و سلامت را در طی ۱۰ سال اخیر در ایران نشان می دهد. براساس این نمودار در اکثر سال ها تورم بخش سلامت بالاتر از تورم عمومی بوده است. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا این روند در سایر کشورها نیز به چشم می خورد؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا؟

1. Fact sheet

2. Consumer Price Index (CPI)

۳. خوراکی و آشامیدنی ها، دخانیات، پوشاک و کفش، مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت ها، اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه، بهداشت و درمان، حمل و نقل، ارتباطات، تفریح و امور فرهنگی، تحصیل، رستوران و هتل، کالاها و خدمات متفرقه.

۴. فرمول محاسبه تورم از شاخص CPI به صورت زیر است:

$$IR = \frac{CPI^t - CPI^{t-1}}{CPI^{t-1}} \times 100$$



یوکی استخوان، پرفشاری خون، بیماری‌های بدخیم و چاقی مواجه شده است؛

۷. تخصص بالای نیروی انسانی بخش سلامت و تمایل به تخصص‌گرایی کارکنان این بخش: باتوجه به این که بخش سلامت از نیروی کار با مهارت بالا استفاده می‌کند و از آنجایی که نیروی کار ماهر رشد درآمدی بیشتری نسبت به نیروی کار ساده دارد، تورم بخش سلامت بالاتر از تورم عمومی است؛

۸. حقوق هدف^۱ کارکنان بخش سلامت بیشتر از کارکنان سایر بخش‌ها است: این مسئله با نظریه «دستمزدهای کارایی^۲» توجیه‌شدنی است. نظریه‌های دستمزد کارایی بیان می‌دارند که اتحادیه‌های تخصصی و تصمیم‌گیرندگان میزان تعرفه‌ها علاقه‌ای به کاهش دستمزد حقیقی اعضای خود ندارند، زیرا بهره‌وری (تلاش یا کارایی) گروه‌های پزشکی مستقل از دستمزد (میزان تعرفه‌های پزشکی) نیست، بلکه دستمزد حقیقی (تعرفه‌های پزشکی) با میزان تلاش آنان (لااقل در محدوده معناداری) ارتباط متقابل دارند؛

۹. روش پرداخت نامناسب به ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (از جمله پرداخت به‌ازای خدمت^۳) می‌تواند منجر به افزایش ارائه خدمات (ایجاد تقاضای القایی از سوی عرضه‌کننده) و همچنین افزایش تورم بخش سلامت شود؛

۱۰. وجود قدرت انحصاری در بازار سلامت، یا به عبارتی محدودبودن تعداد عرضه‌کنندگان بخش سلامت؛

۲. ضروری و در نتیجه کم‌کشش بودن عمده کالا و خدمات بخش سلامت: کم‌کشش بودن کالاها و خدمات بخش سلامت به این معنا است که درصد تغییرات مقدار تقاضا از کالاها و خدمات این بخش کم‌تر از درصد تغییرات قیمت این کالاها و خدمات است. به عبارت دیگر تقاضای مصرف‌کننده حساسیت کمی به تغییرات قیمت نشان می‌دهد. از این‌رو عرضه‌کننده برای افزایش قیمت کالای کم‌کشش در مقایسه با کالای باکشش، محدودیت کمتری خواهد داشت که این مسئله باتوجه به نبود شرایط بازار رقابتی برای تولید کالاها و خدمات بخش سلامت تشدید می‌شود؛

۳. ناهمگونی و نامتجانس بودن کالاها و خدمات بخش سلامت: کالاها و خدمات بخش سلامت، یا اصلاً جایگزین ندارند، یا تعداد جایگزین‌ها برای آنها بسیار اندک است که این امر می‌تواند منجر به بالا رفتن قیمت‌ها بدون نگرانی از کاهش تقاضای مردم شود؛

۴. تأثیر شدید عرضه‌کننده بر تقاضای کالا و خدمات سلامت به دلیل نامتقارن بودن اطلاعات و شفاف نبودن بازار سلامت؛

۵. تغییرات الگوهای مصرفی مردم به سمت استفاده از کالاها و خدمات گران‌قیمت، به‌علت افزایش آگاهی؛

۶. تغییر در الگوی بیماری‌ها و پیچیده‌تر شدن آن: با پیشرفت در امر بهداشت و افزایش سطح پوشش ایمن‌سازی علیه بسیاری از بیماری‌های واگیردار در چند دهه اخیر، بخش سلامت با بیماری‌های مزمن‌غیرواگیر، از قبیل بیماری‌های قلبی، سکته مغزی، دیابت،

3. Fee For Service

1. Target Income
2. Efficiency Wages



۱۱. عمومی و استحقاقی بودن کالاها و خدمات بخش سلامت: کالای سلامت نوعی کالای استحقاقی است، به این معنا که استفاده از آن حق مسلم افراد است و آن را معادل حقوق سیاسی و آزادی فرد می‌دانند. کالای سلامت نوعی کالایی عمومی است که همه افراد می‌توانند به طور هم‌زمان از آن‌ها استفاده کنند و هیچ‌کس را نمی‌توان از استفاده آن محروم کرد. بنابراین ماهیت کالای سلامت، زمینه‌افزایش هزینه‌های این بخش را فراهم می‌کند:

۱۲. تعدد صندوق‌های بیمه پایه و مکمل با بسته خدمات متنوع: این صندوق‌ها با پوشش خدماتی خاص، بدون در نظر گرفتن نیاز مردم جامعه به خدمات سلامت، با افزایش تقاضا می‌توانند منجر به افزایش تورم در بخش سلامت شوند:

۱۳. قیمت‌گذاری نادرست کالا و خدمات و نظارت ضعیف بر آن‌ها:

۱۴. افزایش جمعیت و مسن‌تر شدن افراد جامعه.

نتیجه‌گیری

باتوجه به علل ذکرشده در بخش فوق و نیز تأیید بالاتر بودن تورم بخش سلامت نسبت به تورم بخش عمومی در کشور طبق مطالعات موجود، بالا بودن نرخ تورم بخش سلامت روندی قابل انتظار است.